

Analysis of Interpretive Narratives Functions in Ayatollah Khamenei's Interpretive Thought

Somayyeh Sayyadi *

Tafsir Group, Kosar Islamic Sciences Educational Complex, Tebran, Iran

Turan Molaei

Kosar Islamic Sciences Educational Complex

Abstract

Ayatollah Khamenei, a contemporary interpreter of the Holy Quran, has utilized interpretive narratives in his commentaries. Given that narratives and the transmitted works of contemporaries of the Quran's revelation constitute a significant part of the reality of Quranic interpretation, and that Quranic researchers have always paid special attention to these narratives, the present study seeks to analyze the function of interpretive narratives in the interpretive thought of Ayatollah Khamenei. In his interpretive works, in addition to employing the Quranic method of interpreting the Quran with the Quran, he has also used rational and scientific methods. In many cases, he has resorted to hadiths and interpretive narratives to arrive at the meanings of verses. While using these narratives, he has also taken a comprehensive look at all interpretive sources. The author aims to explain and examine, using the content analysis method of interpretive narratives, their various functions with a focus on case studies in understanding and interpreting Quranic verses, emphasizing Ayatollah Khamenei's viewpoint, foundations, and interpretive method in his written interpretive books, which include commentaries on the Surahs of Al-Fatiha, Al-Baqara, Al-Bara'a, Al-Mumtahanah, Al-Hashr, At-Taghabun, and Al-Jumu'a, using library resources. The functions of interpretive narratives in the interpretive thought of Ayatollah Khamenei include: the virtues of the Quran, explaining the causes and context of revelation, clarifying words and semantic layers, explaining key terms, narratives explaining and correcting beliefs, using similes, narratives related to events and applications, explaining legal rulings, differences in readings, and explaining wisdom. Although these are not exhaustive and with further research, other cases can be found.

Keywords: Interpretive Narrative, Function of Interpretive Narratives, Foundations, Methods and Rules of Interpretation, Interpretive Statements of Ayatollah Khamenei.

* Email: sayadi.kosar@gmail.com

تحلیل کارکرد روایات تفسیری در اندیشه تفسیری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

| سمیه صیادی*^۱

| توران ملایی^۲

چکیده

آیت الله خامنه‌ای از مفسران قرن معاصر بوده که در تفاسیر خود از روایات تفسیری نیز بهره جسته است. ایشان از مفسران قرن معاصر بوده که در تفاسیر خود از روایات تفسیری نیز بهره جسته است. از آنجاکه روایات و آثار منقول معاصران نزول، بخشی از واقعیت تفسیر قرآن را به خود اختصاص داده و قرآن‌پژوهان همواره توجه خاصی به روایات مبذول داشته‌اند، پژوهش حاضر درصدد تحلیل کارکرد روایات تفسیری در اندیشه تفسیری معظم‌له می‌باشد. ایشان در کتب تفسیری خود علاوه بر استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن، از روش عقلی و علمی نیز بهره گرفته و در بسیاری از موارد برای رسیدن به معنای آیات از احادیث و روایات تفسیری نیز استفاده کرده و ضمن استفاده از روایات نگاهی جامع نیز به همه منابع تفسیری داشته‌اند. نگارنده درصدد است با روش تحلیل محتوای روایات تفسیری، کارکردهای متنوع آن‌ها را با تمرکز بر نمونه‌های موردی در فهم و تفسیر آیات قرآنی با تأکید بر دیدگاه، مبانی و روش تفسیری آیت الله خامنه‌ای در کتب تفسیری مکتوب ایشان که شامل تفسیر سوره‌های حمد، بقره، براءت، ممتحنه، حشر، تغابن و جمعه است، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تبیین و بررسی کند. کارکردهای روایات تفسیری در اندیشه تفسیری رهبری عبارتند از: فضایل قرآن، تشریح اسباب و فضای نزول، تبیین واژگان و لایه‌های معنایی، توضیح واژگان کلیدی، روایات تبیین و تصحیح اصول

۱. طلبه سطح چهار، رشته تفسیر تطبیقی، مدرس حوزه و دانشگاه، مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر (س)

*Email: sayadi.kosar@gmail.com

*

۲. طلبه سطح سه، مجتمع آموزش عالی حوزوی

*Email: tooranmollaie@gmail.com

اعتقادی، بهره‌گیری از تمثیل، روایات ناظر به جری و تطبیق، تبیین احکام شرعی و اختلاف قرائات و تبیین حکمت. هرچند این موارد حصر عقلی نداشته و با تحقیقات بیش‌تر می‌توان به موارد دیگری دست یافت.

واژگان کلیدی: روایت تفسیری، کارکرد روایات تفسیری، مبانی، روش و قواعد تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. مقدمه

از مهم‌ترین فعالیت‌های علمی آیت‌الله خامنه‌ای، برگزاری درس و جلسات تفسیر قرآن از سال ۱۳۵۰ بوده و طی سالیان متمادی قبل و بعد از انقلاب و در دوران رهبری به تفسیر سوره‌های متعدد از قرآن پرداخته‌اند. جلسات درس تفسیر ایشان توسط شاگردان ایشان پیاده‌سازی و در قالب کتاب‌های تفسیری به چاپ رسیده است. واکاوی و مطالعه در کتب تفسیری ایشان، بیانگر مبانی و روش معظم‌له در تفسیر می‌باشد. یکی از مبانی این مفسر بزرگ در تفسیر آیات؛ روایات تفسیری است.

روایات تفسیری، روایات ناظر به تبیین قرآنند و به فهم ما از مدلول آیات و درک مراد خداوند کمک می‌کند. این روایات دارای گونه‌های متعدد هستند و کارکردهای متفاوتی دارند. این دسته از روایات با بهره‌گیری از روایات معصومین (ع) به‌عنوان مهم‌ترین منبع به فرایند فهم قرآن کمک می‌کنند. ممکن است این بهره‌گیری ایجابی یا سلبی، روشن و آشکار و یا تلمیح و اشاره‌گونه در فهم معنای قرآن باشد.

با توجه به گستردگی روایات، شناسایی و پالایش آن‌ها امری ضروری است؛ چرا که بخشی از این روایات از حیث سند دچار آسیب‌هایی شده که مفسران را با مشکلات و موانعی مواجه کرده و عدم تفکیک میان روایات، این آسیب را دوچندان می‌کند و موجب سردرگمی اهل تفسیر گشته و مخالفان می‌توانند با استناد به روایات ناصحیح، به شیعیان بتازند. از آنجا که روایات تفسیری، کارکردهای متفاوتی دارند، نگارنده قصد دارد با روش تحلیل متن و شیوه کتابخانه‌ای، مهم‌ترین آن‌ها را با تأکید بر مبانی و روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای شناسایی کرده و دیدگاه ایشان را براساس نقش روایات تفسیری در فهم و تفسیر آیات تبیین نماید. به‌طورکلی میزان بهره‌گیری ایشان از روایات در تفاسیر متفاوت است؛ بدین معنا که در برخی تفاسیر از درصد بالایی از روایات تفسیری بهره‌جسته و در برخی تفاسیر به‌صورت موردی و محدود از روایات استفاده کرده‌اند. این مسأله در پژوهش حاضر به‌صورت موردی و با دقت مورد تحلیل قرار گرفته است. مقاله حاضر در مقام پاسخ به این پرسش می‌باشد که روایات تفسیری در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چه جایگاهی دارند؟

۲. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث لازم است مفاهیم کلیدی که عبارتند از "تفسیر روایی"، "کارکرد روایات تفسیری" و "مبنای رهبری در تعریف تفسیر و روایات" تبیین شود.

۱-۲. تفسیر روایی

تفسیر از ریشه "فسر" به معنای ایضاح و تبیین آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۷/۲۴۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۷/۳۴۹؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۴۳۷). معنای اصطلاحی نیز همسو با معنای لغوی آن است؛ چراکه مفسر در پی تبیین آیات قرآن و پرده‌برداری از کلام خدا می‌باشد (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۸: ۵/۱۷۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۴-۷؛ خوئی، ۱۴۰۸ق: ۳۹۷). مفسر می‌کوشد مبتنی بر پایه قواعد زبانی و منطقی و اصول عقلایی و با کمک قرائن، مراد الهی را کشف و استنباط کند. مراد از تفسیر روایی نیز همان تفسیر قرآن با سنت می‌باشد. مفسر در این نوع تفسیر، از روایاتی استفاده می‌کند که خود آن‌ها را پذیرفته است. پرداختن به این‌گونه تفسیری، مبتنی بر این پیش‌فرض می‌باشد که احادیث ناظر به مفاهیم قرآنی، مهم‌ترین منبع تفسیر قرآن و نزد برخی تنها منبع است (بابائی، ۱۳۹۱: ۱/۹۹). در این روش احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) همانند قرائن عقلی به تفسیر آیات کمک می‌کنند و نقش ابزاری برای روشن شدن معانی و مقاصد آیات دارند. این روایات کاربردهای گوناگونی در تفسیر قرآن دارند. گاهی شأن نزول آیه را بیان کرده، گاهی مصداق و مفهوم را تبیین یا تأویل و باطن آیه را بیان کرده و یا جزئیات آیات الاحکام را شرح می‌دهند. از این رو تفسیر قرآن بدون مراجعه به قرائن نقلی که در احادیث موجود است صحیح نیست؛ چراکه از باب مراجعه به عام و مطلق پیش از فحص مخصّص و مقید است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۲۶). هدف نهایی تفسیر روایی، رسیدن به معنا و مراد آیات در پرتو دانش قرآنی معصومان می‌باشد؛ اما این به معنای کنار نهادن دانش‌های ادبی و عقلی و بی‌توجهی به دیگر دانش‌ها نیست و در این مسیر از فرآورده‌های علمی و دستاوردهای مفسران و عالمان نیز یاری می‌گیرد تا به غنای خود بیفزاید (مسعودی، پیشین: ۱۸). تفسیر قرآن به‌وسیله روایات را «تفسیر با اخبار» و یا «تفسیر مأثور» (آثار رسیده از معصوم) می‌نامند که برخی تعبیر «تفسیر روایی» از آن می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

۲-۲. کارکرد روایات تفسیری

در پاسخ به این پرسش که اساساً روایات چه کارکرد و جایگاهی در ارتباط با آیات دارند؟ می‌توان چنین گفت که نقش روایات در ارتباط با آیات از دو لحاظ محتوایی و صنفی - نوعی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد (عیسی‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۴).

«روایت» به معنای «حمل و نقل» و روایت حدیث به معنای نقل و حمل حدیث است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴/ ۸). مراد از روایت «قول و فعل و تقریر» معصوم است، چنانچه گاهی معصوم سخنی در تفسیر آیه‌ای بیان کرده و گاهی عملی (مانند نماز) انجام می‌دهد که تفسیر آیات (صلوه) می‌باشد و گاهی با سکوت خود نسبت به تفسیر آیه‌ای آن را تأیید و تقریر می‌کند (رضایی اصفهانی، پیشین: ۱۱۲). «روایات تفسیری» از مصادر فهم قرآن بوده و نقش تبیینی در تفسیر آیات قرآن دارند که از پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) نقل شده‌اند. طبق آیات قرآن، پیامبر (ص) مبین آیات مجمل بوده و مشکلات صحابه را در فهم آیات مشکل یاری می‌دادند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مسلمانان صدر اسلام و دانشمندان اسلامی آن دوران در درک و فهم قرآن، به احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) و اصحاب‌شان درباره تفسیر قرآن اعتماد داشته و آن را بی‌چون و چرا می‌پذیرفتند. تفسیر قرآن در عصر صحابه نیز جنبه روایی و اثری داشته و متکی بر روایات، احادیث و تقریر نبی اکرم (ص) بوده است. علمای اهل سنت در تفسیر، اقوال صحابه و بعضاً تابعین را معتبر دانسته و معتقدند بعید است که صحابه از خودشان چیزی گفته باشند و علم قرآن را از پیامبر (ص) آموخته‌اند (ذهبی، ۱۹۷۶: ۱/ ۳۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/ ۳۱۷). صالح بن عبدالعزیز در دفاع از نظر ابن تیمیه می‌گوید: هرچه از صحابه و تابعین نقل شود، در حکم تفسیر روایی است (ابن عبدالعزیز، بی‌تا: ۱۹/ ۱۲)، اما علمای شیعه فقط اقوال پیامبر (ص) و ائمه (ع) را حجت می‌دانند و اقوال صحابه و تابعین را در صورت تواتر یا همراه بودن با قرآن قطعی و مانند آن حجت می‌پندارند، اما اگر متواتر نبودند یا در کنار آن‌ها قرینه‌ای وجود نداشت، حجت ندانسته و در زمره احادیث تفسیری نمی‌دانند (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۷۳).

۳. پیشینه تحقیق

در زمینه کارکردهای روایات تفسیری، تحقیقات مختلفی انجام شده است و سرفصل برخی کتب به این مهم پرداخته‌اند؛ از جمله کتاب علوم قرآنی به نگارش جمعی از نویسندگان، کتاب روش‌ها و گرایش‌های تفسیری نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی، آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان، نوشته علی‌اکبر رستمی، فصلی را به عنوان روش تفسیر روایی اختصاص داده‌اند. همچنین کتاب تفسیر روایی جامع، نوشته عبدالهادی مسعودی در دو جلد به‌طور مبسوط و مفصل به تفسیر روایی پرداخته است. به‌طور کلی در بسیاری از کتب علوم قرآنی، بخشی با عنوان روش تفسیر روایی وجود داشته و به روایت‌های تفسیری نیز اشاراتی دارند. مقالات مختلفی نیز در این زمینه نگارش شده است، از جمله؛ اعتبارسنجی روایات تفسیری از دیدگاه آیت‌الله معرفت، نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی، اعتبار و کاربرد روایات تفسیری نوشته علی‌احمد ناصح، تحلیل گونه‌شناسی روایات تفسیری معصومین (ع) نوشته سیده زینب وحدتی، جایگاه و کاربرد روایات تفسیری براساس

دیدگاه علامه طباطبایی، نوشته مجتبی خطاط و مقالات دیگر که در این مقالات، کارکرد روایات تفسیری مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سوره برائت استخراج نشر نسیم انقلاب به‌طور خاص به دیدگاه معظم‌له پرداخته است. اما این کتاب علاوه بر اینکه فقط به سوره برائت پرداخته، همچنین کارکرد روایات تفسیری را به‌صورت منسجم گردآوری نکرده است. ضمن آنکه احصاء انجام‌شده در کتاب کامل نیست، اما می‌توان از این کتاب، کارکرد روایات تفسیری را استخراج کرد. همچنین مقالات بسیاری از زوایای مختلف به دیدگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته‌اند که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: "مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سوره کوثر" نوشته سیدمحمدرضا علاءالدین و محمدجواد صفا (۱۳۹۷)، پایان‌نامه‌ای با عنوان "بررسی روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای" از زهرا خواجه (۱۳۹۴) و مقاله "نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای" از محمد عینی‌زاده (موحد) و سیدرضا مؤدب (۱۳۹۶). در این مقالات، کتب تفسیری معظم‌له با رویکردهای مختلف مورد واکاوی قرار گرفته است. با توجه به پیشینه مذکور، مقاله‌ای که به‌طور خاص به کارکرد روایات تفسیری در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته باشد، به رشته تحریر درنیامده است.

۴. مبنای آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر و استفاده از روایات

مهم‌ترین مبانی تفسیری ایشان در تفسیر، عبارتند از: ۱- امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن ۲- حجیت ظواهر قرآن و توجه به آن در تفسیر ۳- توقیفی و حکیمانانه بودن چینش آیات ۴- توجه به غرض کلی سوره و دسته‌بندی موضوعات آن ۵- کشف غرض آیه از کلمات کلیدی ۶- استعمال لفظ در اکثر از معنا ۷- مسأله وجوه و نظائر ۸- مکی و مدنی بودن آیات ۹- توجه به فضای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نزول سوره ۱۰- توجه به شأن نزول و نقش آن در فهم صحیح آیه ۱۱- مسأله نسخ و تحلیل صحیح آن ۱۲- توجه به مبانی ادبی و لغوی ۱۳- توجه به لوازم سخن در برداشت از آیه ۱۴- تعلیل مستفاد از ذیل آیات ۱۵- کارکرد روایات در تفسیر ۱۶- عدم حجیت اقوال صحابه و تابعان در تفسیر ۱۷- نقش شناخت راویان و جاعلان حدیث ۱۸- حجیت قرائات و نقش آن در تفسیر ۱۹- کاربرد تاریخ و سیره در تفسیر ۲۰- تعمیم بخشی به مفاهیم قرآنی ۲۱- تفاوت سطح معرفتی آیه به تناسب مخاطبان ۲۲- امکان رشد معارف دینی ۲۳- پرهیز از برداشت‌های ذوقی به‌عنوان تفسیر ۲۴- نفی جزم‌اندیشی در تفسیر متشابهات ۲۵- تعامل با دیدگاه‌ها و احتمالات مختلف ۲۶- محدود نکردن آیه به مصداقی خاص (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۶۷-۲۸).

روش ایشان در تفسیر، اجتهادی است که در کنار آن از روش قرآن به قرآن و روایات نیز بهره گرفته‌اند. البته این بهره‌گیری ذیل آیات فقهی، نمود بیشتری دارد (پیشین: ۱۲).

۵. کارکرد های روایات تفسیری در تفاسیر آیت الله خامنه‌ای

پس از روشن شدن مفاهیم بحث، نمونه‌های موردی از کارکردهای روایات تفسیری در تفاسیر ایشان تبیین و مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۵. روایات فضائل قرآن

روایات تفسیری بسیاری درباره فضیلت تلاوت آیات و سور قرآن کریم در منابع روایی شیعه و اهل تسنن وجود دارد. رهبری در تفسیر سوره براءت روایت‌هایی از پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) در فضیلت قرائت آن سوره آورده‌اند. برای نمونه روایتی از ابی ابن کعب از نبی مکرم اسلام در فضیلت تلاوت سوره براءت آمده است که می‌فرماید: "هرکس سوره انفال و براءت را بخواند، من شفیع اویم و شفاعت می‌دهم که او از نفاق مبرا است و به او به عدد هر مرد و زن منافقی در دنیا ده حسنه داده می‌شود و ده گناه از او محو می‌گردد و ده درجه بالا برده می‌شود و عرش و حاملان آن مادامی که او در دنیا زندگی می‌کند، برایش درود می‌فرستند." در روایتی دیگر در مورد فضیلت تلاوت سوره براءت از امام صادق (ع) می‌فرمایند: "هرکس هر ماه سوره انفال و براءت را بخواند، به نفاق مبتلا نمی‌شود و به راستی از شیعیان امیرالمومنین (ع) خواهد بود و روز قیامت از نعمت‌های بهشتی خواهد خورد تا مردم از حساب فارغ شوند." (خامنه‌ای، تفسیر سوره براءت، ۱۴۰۱: ۳۲).

با توجه به بررسی تفاسیر مکتوب ایشان می‌توان گفت که رهبری در عین توجه به روایات فضل قرآن تنها این روایات را در ابتدای سوره براءت ذکر نموده‌اند و از فضائل دیگر سور در تفسیر خود روایاتی ذکر نکرده‌اند.

۲-۵. روایات اسباب نزول

بخش زیادی از روایات تفسیری، روایات اسباب نزول است. آشنایی با فضای نزول آیات، سهم فراوانی در فهم مراد الهی دارد (مسعودی، پیشین: ۳۳)، آیت‌الله خامنه‌ای در نقل اسباب نزول به صور مختلف عمل کرده است:

۱-۲-۵. نقل گزارشی روایات تشریح فضای نزول و شأن نزول سوره

آیت‌الله خامنه‌ای در ترسیم فضای نزول سوره براءت، ابتدا بدون نقل روایت، داستان صلح حدیبیه و وقایع پس از آن را بازگو کرده و در پایان می‌نویسد: ابوبکر به یکی از منازل رسیده و امیرالمومنین (ع) از راه می‌رسند و می‌فرمایند: پیامبر (ص) فرموده آیات براءت را به من بده تا من ببرم و بخوانم. ایشان می‌فرمایند: تا اینجا داستان را همه متفقند و بعد از این مطلب چند روایت از شیعه و سنی بدون تحلیل بیان می‌کنند. مضمون روایات چنین است که: "امیرالمومنین (ع) آیات

را گرفتند، اما ابوبکر به‌عنوان امیرالحاج باقی ماند. " ولی در روایتی دیگر از تفسیر قمی می‌فرمایند: ابوبکر از همان جا به مدینه برگشت و عرض کرد: یا رسول‌الله! مگر آیه‌ای در مذمت من نازل شد که این اعلامیه را از من گرفتید؟ پیامبر (ص) فرمود: نه، بلکه خدا به من امر کرد که یا من باید این آیات را بخوانم یا کسی که مثل من و از خاندان من است و نقل دیگری را نیز از مجمع‌البیان ذکر می‌کنند (پیشین: ۳۷).

آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در بیان شأن نزول آیه ۹ سوره جمعه "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ" به‌صورت گزارشی سبب نزول را از کتاب مجمع‌البیان شیخ طبرسی نقل می‌کنند. ایشان این روایت را آموزنده دانسته و بیان می‌دارد که طبق روایت، مردم برای خرید ضروریات لازم خوراکی به سمت دحیه تاجر رفتند و خطبه پیامبر را رها کردند و هرچند برای یک معامله لازم رفته بودند، اما پیامبر (ص) فرمودند: چنانچه همه می‌رفتند؛ بیابان، سیل آتش برای شما می‌آورد و عذاب نازل می‌شد (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۴۰۱: ۱۴۱).

۲-۲-۵. گزارشی سبب نزول بدون ذکر ناقل

واکاوی در تفسیر ایشان نشان می‌دهد که در برخی موارد اسباب نزول را به‌صورت غیر مستند آورده‌اند. بدین‌صورت که ناقلان اسباب نزول را معرفی نکرده و تنها به ذکر سبب نزول اکتفا می‌کند. برای مثال در تفسیر آیه "وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ" (توبه: ۶۱) می‌فرمایند طبق گزارش‌های بیان‌شده و روایت‌های مختلفی که از طرق خاصه و عامه رسیده، آمده است که از جانب پروردگار عالم درباره سخنان و خبرچینی یکی از منافقان که در مجلس پیامبر (ص) حاضر بود، خبری رسیده بود، ولی او برای پیامبر سوگند یاد کرد که چنین سخنانی نگفته است و پیامبر حرف او را قبول نمود. وقتی آن منافق پیش رفقای خود رفت، به آنان گفت: "این مرد گوش است"، یعنی هرچه گفته‌ایم و می‌گوئیم و می‌گویند باور می‌کند: خدا به او خبر داد که پشت سر او بدگویی کرده‌ام، قبول کرد و من رفتم قسم خوردم که نگفته‌ام، حرف مرا هم قبول نمود! (خامنه‌ای، تفسیر سوره براءت، ۱۴۰۱: ۳۳۰).

همچنین در بیان شأن نزول آیه ۶۶ سوره توبه بدون ذکر ناقل، سبب نزول آن را به ماجرای عقبه که بعد از جنگ تبوک است نسبت می‌دهند و از قول تفسیر نورالثقلین می‌فرمایند: دوازده نفر از منافقان نقشه کشیدند که در گردنه‌ای کمین کنند و پیامبر (ص) را به قتل برسانند. از این عده، به‌جز چهار نفر بقیه از بنی‌امیه بودند. از عامه هم نقل شده که پیامبر (ص) در میان لشکر شنید که فردی می‌گوید: "من از این‌ها دروغ‌گوتر و ترسو تر ندیدم، لشکریان اسلام ترسو هستند؛" اما بعد از آنکه حضرت، عمار را فرستادند، منافقان در مقام عذرخواهی گفتند: "انا كنا نخوض ونلعب" (پیشین: ۳۶۸).

این شیوه در بیان شأن نزول بخشی از آیه ۱ سوره ممتحنه نیز قابل بررسی است. ایشان در این قسمت به اسباب نزول بدون ذکر ناقل آن اشاره کرده‌اند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه، ۱۴۰۱: ۲۶).

۵-۲-۳. اسباب نزول، موید تفسیر آیه

ایشان در برخی موارد از سبب نزول به‌عنوان شاهد بر مدعای خود استفاده می‌کنند. برای مثال در بیان شأن نزول آیه ۱۹ سوره براءت "أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ" در روایات شیعه و سنی با کمی اختلاف نقل شده است؛ برخی روایات این آیه را در شأن عباس عموی پیامبر می‌دانند، درحالی‌که نزد خداوند، ایمان به خدا با سقایت حاجیان و عمارت مسجد برابر نیست. در روایتی دیگر می‌گویند: آیه در شأن امام علی (ع) است که با عباس و شیبیه صحبت می‌فرمود و درحالی‌که عباس به سقایت حاجیان و شیبیه به عمارت مسجد افتخار می‌کرد، امام علی (ع) به ایمان خود افتخار نمودند که آیه نازل شد، آیا سقایت و عمارت با ایمان به خدا برابری دارند؟ و در روایتی دیگر است که حضرت امیر بعد از مرگ عمر به مردم می‌فرمود: شما را به خدا سوگوید، آیا غیر از من کسی هست که این آیه در شأن او باشد؟ پس آیه به‌طورکلی ناظر به این است که پیش خدا و در منطق اسلام هیچ ارزشی قابل‌سنجش با ایمان به خدا نیست. طبق آیه، ایمان به خدا، ملاک تقدم و شرافت و فضیلت یک انسان است (خامنه‌ای، تفسیر سوره براءت، ۱۴۰۰: ۹۵ و ۹۶). پس آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر این آیه با آوردن شأن نزول‌ها و روایت‌های مختلف به‌نوعی تفسیر آیه را تأیید کرد.

همچنین ایشان در شأن نزول آیه ۷۹ سوره براءت "الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ" آورده‌اند که مفسران، احادیث متعددی را نقل کرده‌اند، ولی ایشان به آنچه روایات نقل نموده‌اند، اطمینان نمی‌یابند، زیرا معتقدند نقل‌ها ضعف دارند و در آن‌ها از افرادی نام برده می‌شود که ایشان به آن‌ها اعتقادی ندارند. اما از مجموع آن روایات استفاده می‌کنند که چنین جریانی در جنگ تبوک بوده و این آیات در آن وقت نازل شده‌اند، یعنی عده‌ای بودند که ثروت خود را کم یا زیاد با میل و رغبت خدمت پیامبر (ص) می‌آوردند و منافقان آن‌ها را مسخره می‌کردند. پس آیت‌الله خامنه‌ای با روایات، تفسیر آیه را تأیید نموده‌اند (پیشین: ۴۷۸).

۵-۲-۴. معیار نقد و تحلیل روایات اسباب نزول

از میان مجموع روایت‌هایی که آیت‌الله خامنه‌ای در اسباب نزول نقل کرده‌اند، فقط در دو مورد به نقد و تحلیل آن پرداخته‌اند. آنچه ملاک ایشان در تحلیل این روایات است، معنای ظاهر آیات و روایات شأن نزولی می‌باشد که به‌لحاظ تاریخی اهمیت بیش‌تری داشته است. در آیه ۶۲ سوره براءت

"يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يَرْضَوْهُمْ إِنَّ كَانُوا مُؤْمِنِينَ" در شأن نزول این آیه آمده که بین دو فرد که یکی مسلمان بود و دیگری از منافقان، مشاجره در گرفت و مسلمان می‌گفت که فرد منافق در غیاب پیامبر علیه ایشان سخنی گفته، ولی فرد مذکور معتقد بود مسلمان دروغ می‌گوید که آیه بالا نازل شد و وضع آن‌ها را مشخص ساخت. اما رهبری معتقدند که معنای آیه که در مقام توییح منافقان است، با چنین شأن نزولی تطبیق نمی‌کند؛ چراکه طبق آیه، سوگند منافقان برای راضی کردن مسلمانان می‌باشد، نه رضایت پیامبر (ص)؛ درحالی‌که طبق این شأن نزول، سوگند آن منافق برای اثبات سخنش نزد پیامبر (ص) بوده است. ایشان می‌فرمایند: "اگر ما هیچ نقل و حدیثی هم برای شأن نزول این آیه نداشتیم، از خود آیه شأن نزول در می‌آید. همچنین در بعضی تفاسیر قدیم، شأن نزولی برای آیه نقل شده که مرحوم طبرسی نیز آن را نقل کرده و این شأن نزول با نظر رهبری مطابقت دارد و آن از این قرار است که آیه درباره جنگ تبوک می‌باشد که منافقان به خاطر مصائب مختلفی که پیش روی مسلمانان قرار داشت، امیدوار بودند پیامبر شکست بخورد، اما ایشان برخلاف پندار آن‌ها، پیروزمندانه بازگشت و این موجب افزایش قدرت و شوکت اسلام شد و موجب ایجاد احساس ندامت در منافقان گردید و زندگی در بین مسلمانان را برای آنان مشکل ساخت. بنابراین برای اینکه مردم را راضی نگه دارند، شروع نمودند به سوگند یاد کردن در مقابل مسلمانان که ما با شماستیم و در این سفر و جنگ دعاگویتان بودیم. آیه نازل شد و فرمود: آنان که برای شما به خدا قسم می‌خورند و منظورشان رضایت شماست، تا این غبار کدورت را از صورت شما پاک کنند و شما را نسبت به خود خوش‌بین سازند (خامنه‌ای، تفسیر سوره برائت، ۱۴۰۱: ۳۴۴).

آیت‌الله خامنه‌ای در این آیه به نقد و تحلیل روایات اسباب نزول پرداخته و یکی را با ذکر دلیل رد و دیگری را تأیید کردند و معیار ایشان برای این تحلیل، معنای ظاهر آیه بود.

همچنین در شأن نزول آیه ۷۴ سوره برائت "يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ لَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ" می‌فرمایند: روایتی از خاصه و عامه رسیده است با این مضمون که منافقی در زمانی که مردم به جنگ تبوک می‌رفتند، با دوستان خود حرفی زد که حاکی از تکذیب پیامبر (ص) بود، ولی وقتی پیامبر او را احضار کردند، او سوگند خورد و انکار نمود. آنگاه این آیه نازل شد. رهبری می‌فرمایند: ما داعی بر رد یا قبول آن نداریم، زیرا واقعه آن قدر مهم نبوده است که به خاطر آن آیه نازل شود. واقعه‌ای که موجب نزول آیه می‌شود و جبرئیل برای آن فرود می‌آید، باید مهم باشد. شأن نزول دیگری که آمده با این مضمون است، هنگامی که پیامبر (ص) حضرت علی (ع) را به زمام‌داری و خلافت نصب کردند، عده‌ای حرف‌هایی زدند و پیامبر آن حرف‌ها را به رخ آن‌ها کشیدند و آشکار نمودند و آیه نازل شد. اما این شأن نزول هم زیاد قابل قبول نیست و آنچه از همه معروف‌تر است و

هر دو گروه با پاره‌ای اختلافات نقل کرده‌اند، این است که این آیه شریفه به جریان عقبه که در صدر اسلام معروف بود، مربوط می‌شود و این قابل قبول می‌باشد و بعید هم نیست؛ زیرا آن داستان مهم است. (پیشین: ۴۶۸)

ایشان با تحلیل این روایات، دو روایت را با دلیل رد و دیگری را پذیرفتند و مبنای ایشان در این مسأله، اسباب نزولی است که به لحاظ تاریخی اهمیت دارد و این مهم، موجب سبب نزول آیه شده است.

۳-۵. توضیح مفاهیم کلیدی

برخی روایت‌های تفسیری به روشن شدن عناصر کلیدی و مفاهیم کانونی آیه می‌پردازند. آیت‌الله خامنه‌ای در توضیح برخی معانی به روایات تفسیری اشاره می‌کنند. برای نمونه در تفسیر آیه ۷۱ سوره براءت، چند روایت به مناسبت عبارت "یطیعون الله" برای فهمیدن ارزش اطاعت خدا آورده‌اند:

۱. در روایتی از امام باقر (ع) آمده که منظور از "اطیعوا الله"، اطاعت محض خدا است و پیوند با اهل بیت (ع) را در سایه اطاعت خدا دانسته و می‌فرمایند: اگر کسی خدا را اطاعت نکند، ولی اهل بیت (ع) نخواهد بود. ممکن نیست کسی شیعه امام باقر (ع) باشد و اطاعت خدا نکند و عاصی باشد. دوستی با ما امکان ندارد، مگر با عمل و ورع.

۲. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است که تنها عاملی که رحمت خدا را جلب و بدی را دور می‌کند، طلب رضایت خداست.

۳. امام هشتم (ع) در روایتی می‌فرمایند: پیوند فکری در درجه نخست است و پیوند نسبی در درجه دوم، پس هرکس از خاندان ما باشد و خدا را اطاعت نکند، از ما نیست و تو حُسن و شَاء، اگر خدا را اطاعت کنی، از ما اهل بیت هستی (خامنه‌ای، تفسیر سوره براءت، ۱۴۰۱: ۴۳۶).

ایشان برای فهم معنای اطاعت به روایت‌های تفسیری استناد کرده و اطاعت را مرادف با عمل، ورع و دوری از گناه معنا کرده‌اند.

۴-۵. تبیین مفردات و لایه‌های معنایی

برخی روایت‌های تفسیری ناظر به تبیین واژگان قرآنی و کشف وجوه معنایی آیات است؛ چراکه فهم مفردات، به خصوص واژگان غریب، نقش زیادی در تفسیر صحیح آیات قرآن دارد. این‌گونه روایات تفسیری را می‌توان تفسیر لفظی نامید.

۱-۴-۵. معنای جهاد

ایشان ذیل تفسیر آیه ۷۳ سوره براءت برای تبیین واژه "جهاد" چهار روایت می‌آورند:

۱. طبق مضمون روایتی از پیامبر (ص) منظور از جهاد در اینجا "مطلق جهاد" است، نه با سلاح،

بلکه با استقامت و مبارزه عقلی به جنگ هوای نفس برود.

۲. در نقل دیگری از پیامبر (ص) جهاد بر "مبارزه با زبان" هم گفته می‌شود.

۳. در روایتی از امام علی (ع)، جهاد مرد، بذل جان و مال و جهاد زن صبر بر اذیت شوهر و فامیلش می‌باشد.

۴. در روایتی از پیامبر (ص)، منظور از جهاد، جهان‌گردی امت رسول‌الله است. رهبان شدن، کاری لغو است؛ برو به جنگ (پیشین: ۴۵۷). ایشان پس از تمسک به روایت‌های تفسیری، به این نتیجه می‌رسند که "جهاد" غیر از غزو است و هر نوع مبارزه فی سبیل الله را، جهاد می‌نامند (پیشین).

۲-۴-۵. بیان معنای تفقه

همچنین در جایی دیگر در تبیین واژه "تفقه" در آیه ۱۲۲ سوره براءت با تمسک به ۶ روایت تفسیری به این نتیجه می‌رسند که فقیه کسی است که دین را شناخته باشد. مضمون روایات به شرح زیر است:

۱. از امام باقر (ع) روایتی آمده که در معنا، تفقه را شناخت و به دست آوردن معرفت معرفی می‌کند.
 ۲. در روایتی از امام صادق (ع)، تفقه در دین، به معنای فهمیدن احکام اصولی اسلام است و فقه در دین، به معنای شناخت در دین می‌باشد، نه به معنای آگاهی از مقررات.
 ۳. در روایتی از امام صادق (ع) به اهمیت تفقه در دین و شناخت آن پرداخته است.
 ۴. در روایتی از امام صادق (ع)، به بیان مطلوبیت تفقه در دین پرداخته است.
 ۵. در روایت دیگری امام رضا (ع)، حلم و سکوت از نشانه‌های تفقه معرفی شده، زیرا فقیه متخلق به اخلاق دین است.
 ۶. در روایتی، امام صادق (ع)، دو صفت را در فقیه معتبر می‌داند: ۱- برای پوشاکش اهمیت قائل نباشد. ۲- به شکم خود اهتمام نرزد (خامنه‌ای، تفسیر سوره براءت، ۱۴۰۱: ۶۶۱).
- بررسی‌ها نشان می‌دهد رهبری برای تبیین و شناخت لایه‌های معنایی واژه "تفقه" با تمسک به روایات تفسیری، بهترین معنا را در تفسیر برمی‌گزیند.

۳-۴-۵. معنای واژه شک

همچنین ایشان ذیل تفسیر آیه ۲۳ سوره بقره "وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ" در تبیین و توضیح کلمه "ریب" به روایتی از اصول کافی استناد کرده و می‌فرمایند: شخصی خدمت پیامبر (ص) رسید و عرض کرد من گاهی در خدا و این چیزها شک می‌کنم و ناراحت بودم که از این فکر هلاک و نابود شدم. حضرت فرمودند: نه، این چیزی نیست؛ این برای همه پیش می‌آید؛ وسوسه است، وسوسه غیر از تردید و شک واقعی می‌باشد. و در توضیح می‌فرمایند: وسوسه

و شک، غیر از لجاجت است، از این رو در پایان آیه می‌فرماید: "ان کتتم صادقین" (خامنه‌ای، تفسیر سوره بقره، ۱۴۰۱: ۳۴۸).

۵-۵. روایات مصحح و مبین اصول اعتقادی

یکی از آسیب‌های موجود در روایات تفسیری، ورود روایات اسرائیلیات می‌باشد. بنابراین یکی از وظایف پیشوایان دین، آگاه ساختن افراد جامعه بشری از این اکاذیب و تصحیح انحراف‌های اعتقادی است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در تفسیر خود از روایت‌های تفسیری در جهت تبیین مبانی و مفاهیم اعتقادی استفاده کرده است. برای نمونه در آیه ۳۱ سوره مبارکه توبه درباره اطلاق ربوبیت بر اطاعت، چند روایت نقل می‌فرماید:

۱. در دو روایت پیامبر (ص) اطاعت از بت‌ها و قبول کورکورانه آن‌ها را همان تقدیس و پرستش آن‌ها می‌داند و به نوعی آن‌ها رب شما تلقی می‌شوند. همچنین اطاعت از دیگری در معصیت، همان عبادت اوست.

۲. در روایتی از امام صادق (ع) خطاب به بنی اسرائیل آمده که چون آن‌ها از احبار و رهبان‌های خود بی‌چون و چرا اطاعت می‌کنند، پس آن‌ها "رب" ایشان هستند (خامنه‌ای، تفسیر سوره برائت، ۱۴۰۱: ۱۴۰). بنابراین طبق بررسی چنین به دست می‌آید که رهبری برای بیان اصول اعتقادی، گاهی به روایت‌های تفسیری نیز تمسک می‌جویند.

۵-۶. روایات تمثیلی در فهم معارف قرآن

سیره پیشوایان دین مانند قرآن چنین بوده است که در برخی موارد برای تقریب ذهن مخاطبان قرآن و قابل فهم کردن برخی مفاهیم قرآنی را از راه تمثیل و تشبیه بیان می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در تفسیر خود از این روایت‌ها بهره گرفته است. برای مثال در تفسیر آیه ۷۱ سوره برائت «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يَطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» ذیل بحث امر به معروف و نهی از منکر و نتایج ترک آن، ضمن تمسک به روایات مبین موضوع، از روایت‌هایی کمک می‌گیرند که با روش تمثیل به فهم بهتر مطلب یاری می‌رسانند؛ برای مثال در روایتی از امام صادق (ع)، آمده که مؤمن باید در بحث امر به معروف و نهی از منکر چون تیغ دو دمی باشد که از دو طرف می‌برد یا در تعبیر تمثیلی دیگری که از روایت‌ها برمی‌آید، آمده که امر به معروف و نهی از منکر دو آفریده خدایند که هرکس آن دو را عزیز بدارد، عزیز خواهد شد. یعنی انجام این دو واجب، به عزت ملت منتهی می‌شود. همچنین در روایتی دیگر برای بالا بردن ارزش فریضتین در مقایسه با جهاد و

کارهای نیک دیگر، آن‌ها را مانند انداختن آب دهان در دریای پهناور دانسته است (خامنه‌ای، تفسیر سوره براءت، ۱۴۰۱: ۴۱۶).

پس استفاده از روایت‌های تمثیلی برای فهم بهتر و بیش‌تر از آیات، از روش‌هایی است که بیش‌تر مفسران، به‌ویژه آیت‌الله خامنه‌ای از آن غافل نمانده‌اند.

۵-۷. روایات جری و تطبیق

روایات جری و تطبیق به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- روایات بیان مصداق ۲- روایات جری و تطبیق به‌وسیله توسعه مفهوم (رضایی اصفهانی، پیشین: ۱۱۰).

۵-۷-۱. روایات بیان مصداق

روایات تفسیری فراوانی وجود دارند که به ذکر مصادیق آیاتی از قرآن که دارای مفاهیم عام و کلی هستند، می‌پردازند. برخی روایات بیان مصداق، با نام بردن از افراد خاصی، مصادیق عینی آیه را مشخص می‌کنند و برخی دیگر هم به بیان اوصاف و ویژگی‌های این مصادیق می‌پردازند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز از این روایت‌ها بهره‌جسته است.

۵-۷-۱-۱. تطبیق مصداق آیه به حضرت علی (ع)

برای نمونه آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر آیه «قَاتِلُوهُمْ بِعَدَابِ اللَّهِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُذْخِرَ اللَّهُ لَكُمْ أَمْوَالَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ وَأَنْفُسَ اللَّهِ» (برائت: ۱۴). روایتی می‌آورند که کاملاً تطبیق آیه با مصداقی می‌باشد که در زمان نزول آیه نبوده است؛ ایشان از ابوالاغر تمیمی می‌گویند: من روز صغیر ایستاده بودم که عباس بن ربیع از کنارم رد شد، درحالی‌که سرا پا مسلح بود و بر سرش زره مخصوص سر و در دستش شمشیر پهن یمنی بود که آن را واژگون گرفته بود و بر اسبی سیاه سوار شده بود. ناگهان "عرار بن ادهم" که از شامیان بود، فریاد زد: "ای عباس! بشتاب به مبارزه"، سپس با شمشیرهایشان مدتی از رجز را با هم مبارزه کردند و به‌خاطر سپر خوب، هیچ‌کدام نتوانست بر دیگری دست یابد تا آنکه عباس، منفذی در زره شامی دید و با شمشیرش به آن قسمت زد و سینه او را شکافت و شامی با صورت به زمین افتاد و عباس در نظر مردم بالا رفت و سپاهیان تکبیری گفتند که زمین لرزید در آن هنگام امام علی (ع) از پشت سر این آیه را خواندند (خامنه‌ای، تفسیر سوره براءت، ۱۴۰۱: ۷۴).

۵-۷-۲. تعیین مصداق خمس و انفال در آیه

همچنین ایشان ذیل آیه فی‌ء در توضیح انفال و خمس بیان می‌دارند: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» طبق روایات می‌فرماید: ما کان لله للرسول. از این رو طبق روایات مراد از لله، یعنی آن مقدار سهمی که برای خدا معین شده که باید در راه خدا مصرف شود، در اختیار پیامبر است و باز در روایت داریم مراد از "ما

كان للرسول فلذی القربی" می‌باشد. یعنی آن سهم پیامبر هم در اختیار ذی‌القربی قرار می‌گیرد. همچنین روایات مراد از یتامی و مساکین و ابن سبیل را یتامای از آل پیغمبر (ص) می‌داند (خامنه‌ای، سوره حشر، ۱۴۰۱: ۱۱۶).

۵-۷-۲. روایات جری و تطبیق به‌وسیله توسعه مفهوم

این روایات مفاهیم کلی آیه را بر مصادیق گوناگونی تطبیق می‌دهند. روایات جری و تطبیق به‌وسیله توسعه مفهوم، مفاهیم ظاهری آیه را توسعه داده و بر مفاهیمی که خارج از فضای نزول و ظاهر آیه است، تطبیق می‌دهند.

۵-۷-۲-۱. تشابه و همسانی تاریخ

ایشان در آیه ۶۹ سوره برائت ضمن استناد به آیه ۱۹ سوره مبارکه انشقاق، روایتی از امام علی (ع) نقل می‌کنند. امام در حدیثی با تعبیر کنایی، تشابه رفتارهای حاضران را با گذشتگان ترسیم می‌کند و می‌فرماید: شما داخل حالاتی خواهید شد، مانند حالات پیشینیان و شما سنت‌های گذشتگان را خواهید دید، دقیقاً مانند آن‌ها؛ مشابه يك نعل اسب به نعل دیگرش و بدون کم و کاست؛ مثل پرهای آخر تیر از سنت‌های گذشتگان تخلف ندارید و راه آن‌ها را اشتباه نخواهید کرد و عیناً از همان راه، رفته و خواهید رفت؛ اسلام را ریسمان خواهید گذاشت و ریسمان‌های دین خدا را باز خواهید نمود، رشته امامت، مسأله رهبری است و حکومت واقعی اسلامی را مراعات نخواهید کرد که بعد از پیامبر هم همین‌طور شد و آخرین آن، نماز می‌باشد؛ یعنی حالا نماز را نگه می‌دارید، ولی بعداً آن را رها خواهید کرد و نگه داشتن نماز هم دلیل دین‌داری نیست؛ چراکه در نهایت نوبت به نماز می‌رسد، چون نماز از همه آسان‌تر است و امام باقر (ع) فرمودند: اگر نماز ضرر دنیایی داشته باشد، آن را هم ترک خواهند کرد (خامنه‌ای، تفسیر سوره برائت، ۱۴۰۱: ۳۹۰).

۵-۷-۲-۲. توسعه مفهوم سابقون اولون و عمومیت آیه برای همه زمان‌ها

ایشان در تفسیر آیه «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ...» (توبه: ۱۰۰) به روایتی از تفسیر عیاشی تمسک فرموده که بیش‌تر مفسران از آن روایت در تفسیر آیه غفلت کرده‌اند. به گفته ایشان چنانچه آیه به مقتضای روایت؛ که در آن آمده است که خداوند بین مسلمانان مانند اسب‌ها مسابقه انداخته است، ترجمه شود، خیلی عام‌تر، کلی‌تر و بهتر خواهد بود و لازمه‌اش این می‌شود که "سابقون اولون" درباره عده‌ای خاص نباشد، بلکه معنایی کلی، مداوم و مستمر باشد که شامل همه دوران‌ها و زمان‌ها بشود تا در همه ادوار يك عده از مؤمنان به طرف ایمان سبقت گیرند و به‌سوی عمل صالح از دیگران پیشی بگیرند (پیشین: ۵۶۴). بنابراین رهبری با استعانت از این روایات، به جری و تطبیق آیات به‌وسیله توسعه مفهومی آن‌ها پرداخته است.

۵-۸. روایات بیانگر احکام شرعی

آنچه مسلم این است که در قرآن کریم کلیات احکام شرعی اغلب بیان شده و شرح و تفصیل و جزئیات آن‌ها از وظایف پیامبر و اهل بیت معرفی شده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ۱/ ۸۴). قرآن کریم در آیه ۴۴ سوره نحل به‌صراحت به دلایل حجیت قول ایشان اشاره کرده است. مطابق مفاد این آیه، پیامبر موظف است آیات قرآن را بر مردم تبیین کند و حجیت قول اهل بیت نیز به‌دلیل آیات دیگر و احادیث متواتر به بیان پیامبر (ص) ملحق می‌شود (طباطبایی، پیشین: ۱۲/ ۲۶۱).

۵-۸-۱. ممنوعیت انباشت ثروت در اسلام

در آیه ۳۴ سوره براءت «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ» با كمك روایاتی که برای احتجاج به این آیه قضایای بین ابوذر و عثمان و کعب‌الاحبار را نقل کرده‌اند، چنین به‌دست می‌آورد که اگر انسانی مالی را به‌دست آورد، ولو از راه حلال و زکات آن را ادا کند و بعد مابقی را یا نگه دارد یا در راه غیرخدا خرج نماید یا در راه فکر اسلامی و جامعه مسلمانان مصرف نکند، او مستول است (خامنه‌ای، تفسیر سوره براءت، ۱۴۰۱: ۱۶۵).

پس رهبری از این روایت برای تبیین آیه مذکور به يك حکم شرعی دست می‌یابد که همان ممنوعیت انباشتن ثروت در اسلام است.

۵-۸-۲. ادای قرض مسلمان فوت‌شده توسط حاکم اسلامی

در جایی دیگر رهبری در تفسیر آیه ۶۰ سوره براءت با تمسک به روایتی از تفسیر نورالثقلین با این مضمون که اگر مسلمان مقروضی فوت شود که قرض او از روی فساد و اسراف نبوده باشد، بر امام و حاکم جامعه اسلامی واجب است آن را ادا کنند، چون آدم مدیون از غارمین می‌باشد که سهمی نزد امام و حاکم اسلامی دارد که اگر امام آن را نپردازد، گناه آن بر گردن اوست، به بیان یکی از احکام شرعی پرداخته‌اند (پیشین: ۳۲۵).

۵-۸-۳. قاعده لا حرج

همچنین در تفسیر آیه ۹۱ سوره براءت هم، آیت‌الله خامنه‌ای با استعانت از روایتی از صاحب نورالثقلین که از کافی نقل کرده است، به این حکم شرعی اشاره می‌کند که خداوند جز بر کاری که انسان قدرت و وسع آن را دارد، تکلیفی نکرده است. پس طبق این حدیث، تکلیف جهاد با این همه مشقت و رنج، از نیروی تحمل انسان و وسع او کمتر می‌باشد. بنابر این خداوند جز بر کاری که انسان قدرت و وسع آن را ندارد، تکلیفی ننموده است؛ برای مثال نخواست که انسان‌ها یک‌سال اصلاً چیزی نخورند یا شش ماه روزه بگیرند، بلکه فقط یک‌ماه روزه را واجب کرده است (پیشین: ۵۳۳).

۵-۹. روایات اختلاف قرائات

مسأله اختلاف قرائت، از جمله مباحثی است که برخی روایت‌های تفسیری را به خود اختصاص داده است. در این میان روایاتی وجود دارد که معتبر نبوده و به صحابه یا تابعان مستند شده و به اهل بیت بر نمی‌گردد. مفسری که با این دسته از روایت‌های آشنا نباشد، در تفسیر قرآن با مشکل مواجه خواهد شد؛ چراکه یکی از آفت‌های مهم در تفسیر قرآن عدم آشنایی با مسأله اختلاف قرائات است و مفسران در مواردی که این روایات در معنای آیات اثرگذار باشد، به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته و ضمن بیان معنای آیات طبق آن روایات، قرائت صحیح را نیز بیان می‌کنند (دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۴۷).

۵-۹-۱. دو تفسیر متفاوت از یک آیه براساس اختلاف قرائات

ایشان ذیل تفسیر آیه ۱۵ سوره توبه «وَيَذْهَبْ عَيْظٌ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ» می‌فرماید: این جمله در روایات دو گونه خوانده شده است. به ضم باء و فتح آن. اگر يتوب الله به فتح باء خوانده شود، جواب شرط می‌باشد و ممکن است عطف به جمله‌های گذشته باشد؛ یعنی در سایه قتال شما، خداوند توبه بسیاری از کفار را خواهد پذیرفت. در احتمال دیگر که يتوب الله به ضم باء خوانده شود، واو عاطفه نیست؛ بلکه استینافیه است؛ یعنی توبه کفار و پذیرفته شدنش تابع قتال شما نیست؛ یعنی بجنگید تا دل شما خنک گردد و خدا هم توبه این‌ها را خواهد پذیرفت؛ گرچه برخی از آنان در جنگ با شما کشته هم شوند، اما ممکن است بعضی زنده بمانند و توبه کنند و خدا توبه ایشان را بپذیرد (خامنه‌ای، سوره برائت، ۱۴۰۱: ۷۹).

ایشان پس از ذکر دو مدل روایت از اختلاف قرائات بدون رد و تأیید، دو نوع تفسیر از آیه را ارائه می‌دهند.

۵-۹-۲. رد قرائت غیر مشهور

آیت‌الله خامنه‌ای ذیل آیه ۷۳ سوره توبه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» قرائتی غیر مشهور را از مجمع‌البیان ذکر کرده و نقش قرائت غیر مشهور را در فهم و تفسیر آیه چنین بیان می‌کنند: در روایتی از اهل بیت (ع) این آیه چنین خوانده شده است: «جَاهِدِ الْكُفَّارَ بِالْمُنَافِقِينَ»؛ طبق این روایت معنای آیه چنین می‌شود: «ای پیامبر! به‌وسیله منافقان با کفار بجنگ». اولاً: این قرائت غیر مشهور است و متواتر نیست و شاهدی جز روایت ضعیف مرسل ندارد و چنانچه کسی بخواهد این سوره را در نماز بخواند، حق ندارد «بِالْمُنَافِقِينَ» بخواند، بلکه وظیفه همان قرائت مشهور و معمول است.

ثانیاً: اگر برای ابطال قرائت مشهور از تاریخ زندگی پیامبر (ص) استفاده کنند و بگویند چون پیامبر با منافقان جنگ نکرده است، پس قرائت مشهور صحیح نیست؛ ما نیز برای ابطال غیر مشهور

از تاریخ سیره پیامبر (ص) استفاده می‌کنیم. شما کجا دیده‌اید پیامبر در تاریخ منافقان را به جنگ کفار برده باشد؟ همچنین سیاق آیات همین سوره، این مطلب را اثبات می‌کند. ثالثاً: روایت قطعی و صحیح‌السند تفسیر نورالثقلین، همان قرائت مشهور را به نقل از چهار نفر از ثقات نقل کرده است (علی بن ابراهیم و پدرش و ابن عمیر و ابوبصیر) که این قرائت، متواتر است، پس قرائت غیر مشهور از اهل بیت (ع) صادر نشده و مردود می‌باشد (خامنه‌ای، تفسیر سوره براءت، ۱۴۰۱: ۴۵۵).

ایشان با بیان یک قرائت غیر مشهور حکم فقهی، مبنای تاریخی خود در تفسیر، استناد به سیاق و راویان موثق و مورد اعتماد را معرفی کرده و معنای صحیحی را از آیه بیان می‌دارند.

۵-۱۰. روایات تبیین حکمت آیه

ایشان ذیل تفسیر آیه ۱۷ سوره تغابن «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ» ضمن بیان بحث قرض الحسنه به توضیح و تبیین حکمت کلمه "يضاعفه" پرداخته و روایتی را بیان می‌دارند: که پیامبر بزغاله‌ای را ذبح کردند و به همه دادند و فقط کتف آن بزغاله باقی ماند و یکی از همسران پیامبر اعتراض نمود. پیامبر (ص) فرمودند: نه همه آن برای ما ماند و کتف آن هم خواهیم رفت. در تفسیر می‌فرمایند: حقیقت همین است که این کتفی که ما می‌خوریم نابود می‌شود، اما آنچه در راه خدا دادیم همه آن ماند و برمی‌گردد، آن هم به‌طور مضاعف برمی‌گردد (خامنه‌ای، تفسیر سوره تغابن، ۱۴۰۱: ۱۹۷). ایشان در واقع با بیان روایت، حکمت این عبارت را در آیه قرآن بیان می‌کنند.

همچنین ذیل تفسیر آیه ۶ سوره حمد می‌فرمایند: علت و تکرار این آیه در طول شبانه‌روز این است که در روایت آمده: انسان‌های مخلص و با اخلاص هم در خطر بزرگ هستند. کسانی مثل بلعم باعورا؛ حتی انسان‌های مخلص به‌طور دائم بر سر دو راهی قرار دارند. تصمیم‌گیری صحیح برای شناخت راه صحیح، احتیاج به شناخت خدا دارد و استعانت از او در همه لحظات لازم است (خامنه‌ای، تفسیر سوره حمد، ۱۴۰۱: ۱۰۲).

نتیجه‌گیری

از مجموع بررسی روایت‌های تفسیری ذیل آیات در کتب تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای چنین به‌دست می‌آید که ایشان در برخی سوره‌ها مانند سوره براءت به‌طور گسترده و در دیگر سوره‌ها به‌طور محدود برای فهم آیات از روایات بهره‌گرفته است. ایشان از اسرائیلیات و روایات مجعول پرهیز کرده و به نقد آن‌ها پرداخته‌اند و با بیان شیوا و رسا تلاش کرده‌اند که تفسیرشان برای عموم مردم قابل استفاده باشد. در برخی کتب برای بیان شأن نزول آیات، مفهوم‌شناسی اصطلاحات قرآنی و توضیح معارف قرآنی که بیش‌تر جنبه هدایتی، تربیتی و ارشادی دارند، از روایت‌های تفسیری بهره‌جسته و در برخی موارد فقط به ذکر روایت پرداخته و بدون تحلیل و بررسی از کنار آن می‌گذرند و در پاره‌ای از موارد

نیز آن‌ها را مورد تحلیل و نقد قرار می‌دهند. آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به ظرافت‌های موجود در تفسیر آیات قرآن و با در نظر گرفتن پنج اصل؛ تشخیص صحت و اعتبار، کاربرد شأن نزول در فهم آیات، محدود نکردن آیه به سبب شأن نزول و رد شأن نزول به سبب عدم مطابقت با آیه، به بررسی بحث شأن نزول آیات و روایات مرتبط با آن پرداخته‌اند. همچنین قائل به قرائت مشهور و متواتر و قرائت قراء سبعه بوده و قرائت ضعیف، مرسل و شاذ را رد می‌کنند. همچنین در بحث اختلاف قرائت، روایات را مطرح کرده و بدون رد یا تأیید، تفسیر مختلف را بر این اساس ارائه می‌دهند. ایشان اقوال صحابه و تابعان را به صراحت نفی نموده و حجت نمی‌دانند و فقط روایات معصومین (ع) را حجت دانسته‌اند. تردیدی نیست که حجت نبودن گفتار صحابه، عدم حجیت اقوال تابعان را نیز در بر دارد.

پیشنهاد

با توجه به اینکه آیت‌الله خامنه‌ای تنها راه حل جوامع اسلامی را رجوع به قرآن می‌دانند، بنابراین اهتمام خاصی برای تبیین و تفسیر آیات دارند تا همگان بتوانند به سهولت از این منبع وحی برای پاسخ‌گویی به تمام نیازهای خویش بهره‌جویند. ایشان به مسأله تناسب بین آیات توجه دارند تا براساس آن تناسب، محورهای آیات و در مرحله بعد مفهوم آیات مشخص شود. همچنین در مواردی هم به نقل روایت‌های تفسیری پرداخته‌اند که البته دغدغه ایشان فقط نقل روایت نیست، بلکه ایشان نکات برداشتی خویش را هم ذیل روایت تبیین می‌فرمایند که بسیار راهگشا است.

در واقع ایشان با نگرش تحلیلی به متون روایی مرتبط با مضامین و مفاهیم قرآنی و با استفاده از قول و عمل تفسیری پیشوایان دینی توانسته به نقش تعلیمی روایت‌های تفسیری پی‌برد؛ به عبارت بهتر، باید گفت روایات تفسیری در نظر معظم‌له، این قابلیت را دارند که با کمک آن‌ها، مفاهیمی که برای مخاطب قابل‌درک و قابل‌استناد به ظاهر قرآن نیستند، آموزش داده شود تا مخاطب به فهم عمیق‌تری از قرآن کریم دست یابد.

پس پیشنهاد می‌شود از همین روش و اسلوب آیت‌الله خامنه‌ای برای فهماندن اصول و عقاید دینی در مدارس و دانشگاه‌ها مدد گرفته شود. به این صورت که هرگاه مربیان و اساتید در تبیین اصول اعتقادی و تفسیر قرآن در تنگنا قرار گرفتند، از روایات کمک گرفته و با استعانت از سخنان پیشوایان دینی و نگرش تحلیلی به محتوای آن‌ها، به حل مسأله و رهایی از تنگنا بپردازند.

منابع

کتاب‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. بابائی، علی اکبر. (۱۳۹۱). بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۲). آشنایی با قرآن. تهران: امیر کبیر. چاپ چهارم.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). تفسیر سوره براءت. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. چاپ هشتم.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). تفسیر سوره ممتحنه. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. چاپ چهارم.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). تفسیر سوره جمعه. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. چاپ چهارم.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). تفسیر سوره بقره. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. چاپ دوم.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). تفسیر سوره حشر. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. چاپ دوم.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). تفسیر سوره حمد. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. چاپ سوم.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). تفسیر سوره تغابن. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. چاپ سوم.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سوره توبه. تهران: انقلاب اسلامی.
۱۲. خوئی، سیدابوالقاسم. (۱۴۰۸ق). البیان. بیروت: دارالزهراء.
۱۳. ذهبی، محمدحسین. (۱۹۷۶م). التفسیر و المفسرون. بی جا: دار الکتب الحدیث.
۱۴. رضایی اصفهانی. (۱۳۸۲) محمد علی. درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۵. رستمی، علی اکبر. (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان. رشت: کتاب مبین.
۱۶. زبیدی، مرتضی محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین. (بی تا). الاتقان فی علوم القرآن؛ قم: منشورات الشریف رضی.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر الماثور. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۹. صالح بن عبد‌العزیز، آل‌شیخ (بی تا). شرح مقدمه التفسیر. نرم افزار مکتبه الشامله.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۵۳). قرآن در اسلام. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ دوم.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی. چاپ سوم.
۲۴. عیسی زاده، نیکزاد. (۱۳۹۷). تفسیر تطبیقی روایی. جزوه درسی مقطع دکترا. تهران: مدرسه علمیه تخصصی کوثر.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: هجر. چاپ دوم.
۲۶. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۸). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مسعودی، عبد‌الهادی. (۱۳۹۶). مبانی، منابع و روش تفسیر روایی جامع. تهران: دارالحدیث.
۲۸. مصطفوی حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۹. معرفت. محمدهادی. (۱۴۱۹ق). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب؛ مشهد: دانشگاه علوم رضوی. الطبعة الاولى.

مقالات

۳۰. دیاری بیدگلی، محمدتقی. (۱۳۹۰). "نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان (ع) با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی". دو فصلنامه حدیث پژوهی. سال سوم. شماره ۵.